

همزمان با مراسم رونمایی از تقریظ رهبری بر «سرباز روز نهم» و «اسم تو مصطفاست»

مصطفی سرباز روز نهم



۸

محمدصادق باطنی، مدیر شبکه کودک بیان کرد

تحول در شبکه کودک بابرنامه‌های جدید

۶

تولید بزرگ‌ترین سریال تاریخ تلویزیون با ۱۱هزار دست لباس و ۵۰۰ بازیگر ایرانی و خارجی

سلمان فارسی فاخر ومنحصر به فرد



۷

جنگ برنده سینمای بازنده؟!



«ژانگ یمو» فیلمی به نام «گل‌های جنگ» درباره حمله ژاپنی‌ها به «نانکینگ» چین دارد. ژاپنی‌ها دراین حمله ددهممنانه، صدها هزار چینی را به شکل وحشیانه‌ای کشتند و به هزاران کودک و زن تجاوز کردند. تجاوز چند هفته‌ای ارتش سلطنتی ژاپن به چین در سال ۱۹۳۷، از جمله دهشتناک‌ترین جنگ‌های فی‌مابین کشورهاست به‌طوری‌که تاریخ‌نگاران نتوانسته‌اند میزان خشونت علیه مردم چین و خصوصا خانواده‌ها را درحد لازم روایت کنند. یمو با روایتی شخصی و در قالب درامی واقعی و خیالی ولی با تمام مؤلفه‌های بومی و محلی موفق می‌شود تا این رویداد دهشتناک را تصویرسازی کند. از آنجا که فیلم گل‌های جنگ تمام اجزایش چینی است، جهانی می‌شود تا آنجاکه هرچه از تجاوز به نانکینگ در خاطره جمعی جهانیان باقی می‌ماند ناشی از روایت ژانگ یمو به زبانی فرامرزی است.

چرا سینمای ما نتوانسته از اتفاقات مهم جنگ هشت‌ساله تحمیلی، فیلمی در قد و قواره درک و فهم و ارتباط جهانی بسازد. نگاهی به فهرست فیلم‌های دفاع مقدسی سینمای ایران که بیش از ۲۵۰ اثر بلند را شامل می‌شود، نشان می‌دهد که به جز چند فیلم اولیه حاشی‌کیا مانند مهاجر، دیده‌بان و معدود فیلم‌های ساخته دیگران، دست‌اورد قابل توجهی با مؤلفه‌های اینجایی ندارد.

قرار بود بهترین و مؤثرترین فیلم‌های درباره دفاع مقدس، پس از خاتمه جنگ ساخته شود، البته این قرار فعل قانونمندی نیست بلکه براساس تجربه تاریخی و عرف حاکم بر مناسبات فرهنگی، همواره آثار هنری قابل قبول و جریان‌ساز در دوران صلح ساخته و پرداخته شده و می‌شوند. مثلا اگر فیلم‌های دوران جنگ رویکردی تبیینی و هیجانی پرزنگی دارند، فیلم‌های ایام صلح درباره آن رویداد مبتنی بر داده‌های تحقیقی با رویکرد تحلیلی و صلابتبه در قالبی جذاب‌تر ساخته و به نمایش درمی‌آیند. آیا درباره جنگ عراق علیه ایران هم این اتفاق افتاده است؟

دیروز مصادف با یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های محلی وفی‌مابین دو کشور عراق و ایران در قرن بیستم و آزادی اسرای این رویداد بود؛ جنگی که آسیب‌ها و لطمه‌های خانمان براندازی را رقم زد. هزینه مالی و جانی تحمیل شده این جنگ به مردم دو کشور غیرقابل‌کتمان است و... خصوصا کشور ما بابت ایستادن پای و جوب‌به‌جوب مرزهای شناخته‌شده‌اش خسارت زیادی پرداخت ولی در نهایت برنده این مهم بود. در واقع یکی از جنبه‌هایی که تقریبا اکثر مردم و جریانات سیاسی با آن موافق و همگرا و مدافع آن هستند، همین برنده بودن ایران در جنگ تحمیلی هشت ساله است. سینما مهم‌ترین و مؤثرترین مادیوم رسانه‌ای و هنری با مخاطب انبوه است که قاعده‌تا باید با مکتب لازم‌وزی این برنده شدن آثاری جذاب و با لحن و زبانی مردم‌فهم، تولید و روانه بازار مصرف دنیا می‌کرد؛ کاری که فیلمسازان وطن‌دوست دیگر کشورها انجام داده و می‌دهند. درواقع آنها شکست‌ها را پیروزی جامی‌زنند. فیلم‌های زیادی از جنگ‌های معروف جهانی و جنگ‌های منطقه‌ای و درگیری‌های مرزی ساخته شده است که علی‌رغم شکست ولی ازسوی فیلمسازان به پیروزی تبدیل شده است. تغییر شکست به موفقیت در ادبیات و سپس سینما سابقه‌ای طولانی دارد. مثلا فیلم داتکرک ساخته شده به وسیله فیلمساز مشهور انگلیسی یعنی کریستوفر نولان، شکست مفتضحانه نیروهای سلطنتی بریتانیا را به درامی غرورآفرین از پیروزی تبدیل می‌کند و... ولی سینمای ما نتوانسته ارزش تاریخی برنده بودن در جنگ را بر پرده، عنیت ببخشد. جهان از ما فیلم‌های کبی از هالیوود را نمی‌پذیرد، در عین این‌که روایت‌های شبه‌روشنفکرانه شکست‌نمایی در جنگ را هم برنمی‌تابد؛ گرایش‌هایی که متأسفانه تاکنون در سینمای دفاعی ما غلبه داشته‌است. آیا سمت وسوی روایت‌های جنگ در سینما از شکست‌نمایی به برنده شدن با ویژگی‌های بومی تغییر خواهد کرد؟ تماشاگران انبوه منتظر چنین تحولی در سینما هستند تا به سال‌ها بپردازند.

پلورالیسم دینی؛ مروج اسلام لیبرالی

آیا رسانه ملی می‌تواند سد راه سینمای هالیوودی در پلتفرم‌ها وشبکه نمایش خانگی باشد؟



از سبک زندگی حذف می‌شود. اتفاقی که این تئوری هالیوودی در عرصه فیلم و سریال و برنامه‌سازی‌های شبکه نمایش خانگی کشور ما رقم زده، تابوشکنی از شرعیات واحکام دینی و گسترش حریم‌شکنی‌های دینی در فیلم‌ها و سریال‌هایی مثل ممنوعه، مأمور مخفی، گازرو... است.

کشف حجاب، همجنس‌گرایی، روابط ضریبری، همباشی، آمیزش با حیوانات، ازدواج سسید، روابط آزاد، دوستان اجتماعی، ازدواج گریزی، طلاق آفریایی، چندشوهری، عشق مثلثی و مربعی، پارتی‌های مختلط با امکانات تحریک‌آمیز و... رافراگیر می‌کند و در اصل آخرین مقاومت‌های دینی در روزگار تهاجمات فرهنگی شکسته شده و سقوط فرهنگی اتفاق می‌افتد.

نزدیکی به توحش فرهنگی

پلورالیسم فرهنگی که دامنگیر شبکه نمایش خانگی برای جذب مخاطب و بازگشت سرمایه است، به توحش فرهنگی نزدیک شده و حرمت‌ها و قدسات‌ها را قبول ندارد و امروز در این شبکه‌ها و کل فضای پلتفرم‌ها شاهد تغییر باورها، تغییر

ذائقه‌ها، تغییر عادت‌ها، تغییر روش‌ها، تغییر تصمیم‌ها، تغییر سبک‌ها، تغییر واژه‌ها، تغییر مبانی محاسبات، تغییر چشم اندازها، تغییر ابزارها، تغییر رفتارها، تغییر افکار، تغییر نگاه‌ها، تغییر تحلیل‌ها، تغییر مواضع، تغییر ظواهر، تغییر استراتژی‌ها، تغییر هدف‌گذاری‌ها، تغییر تفریحات، تغییر معناها، تغییر انتخاب‌ها،

ادیان تحریف شده اعم از مسیحی و یهودی و تحریب چهره اسلام با استراتژی اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی و خشن و بربری و عقب‌مانده نشان دادن آن و اهانت‌های پیاپی به پیامبر گرامی اسلام (ص) و حتی قرآن‌سوزی، انجام می‌پذیرد تا جلوی نفوذ روزافزون اسلام گرفته‌شود.

پلورالیسم دینی که در اصل همان کثرت‌گرایی و پذیرش امر محال جمع‌شدین و بیهوده‌انگاری دینداری در قرون شکوفایی علمی و مدرنیته است، اینگونه لغا می‌کند همه ادیان بر حق هستند و هیچ دینی بر سایر ادیان رجحان ندارد و آموزه‌های متناقض و متضاد هم نباید کنار گذاشته شوند و چون همه این آموزه‌ها، با نگرش دینی و با تحقیقات دینی به دست آمده‌اند، همه قابل قبول‌اند و صاحبان عقاید دینی با هر نوع عملکردی و به هر میزان گناه، به بهشت می‌روند و در جاهای رفیع بهشت سکنی می‌گیرند.

القای این باورهای غلط طبعاً با استقبال منحرفان و فاسدان و فاسقان قرار گرفته و دست‌او ستیاری از افراد برای داشتن زندگی حرام و ارتباطات نامشروع قرار می‌گیرد و قید و بندها، محدودیت‌ها و معذوریت‌های شرعی کنار گذاشته شده و اسلام



پلورالیسم فرهنگی که دامنگیر شبکه نمایش‌خانگی شده، مقدمه فروپاشی فرهنگی جامعه به جای براندازی ناممکن نظامی است. در آنالیز جبهه بسیار گسترده تهاجم و شبخون فرهنگی دشمن به ارزش‌ها، باورها، حریم‌ها و خط قرمزهای عقیدتی و بصیرتی جامعه اسلامی ما، قطعا یکی از مهم‌ترین

اثرها و سلاح‌های تهاجمی و خسارت‌باری که علیه ما به کار گرفته شده و می‌شود، سینما و دنیای فیلم و سریال و برنامه‌های دیگر در پلتفرم‌ها و دنیای محدودیت‌ناپذیر اینترنتی است که استفاده فرهنگ‌ستیزانه و نامتعارف ضد اخلاقی از آن به طور جدی در دستور کار مهاجمان فرهنگی قرار گرفته و با سرمایه‌گذاری کلان و بسیار بیشتر از کل بودجه سالانه ده‌ها شبکه تلویزیونی و رادیویی رسانه ملی، پشت شبکه نمایش خانگی در قالب پلتفرم‌ها و نیز تولید بی‌ضابطه و حریم‌شکن فیلم و سریال و برنامه، خاکریز زده و ضمن تقابل هدفمند با رسانه ملی، ریزش چهره‌های هنری و ورزشی از رسانه ملی و دیگر سازمان‌های فرهنگی و هنری منتسب به نظام را استارت زده‌اند. اما این‌که این جبهه تهاجم فرهنگی، چه اهدافی را هدف‌گیری کرده و با چه چشم‌اندازی بی در پی به آن شلیک می‌کند و مترصد فرصتی برای بمباران‌های مهلک هنری و فرهنگی است، بسیار نکته مهمی است. کسی تردید ندارد که سینمای امروز جهان غرب، به‌طور باورناپذیری تحت تأثیر شهر سینمایی آمریکا موسوم به هالیوود است و هالیوود به جز سال‌های اولیه پیدایش، به مالکیت کامل سرمایه‌داران یهودی درآمده و گوش به فرمان محض نظریه‌پردازان آزانی بین‌المللی یهود از نوع صهیونیسم است. هدف‌گذاری‌های هالیوودی که امروز در دنیای سینما جلوه‌گری می‌کند، تابع تفکرات مادی و متضاد با مکتاب و ادیان الهی است، اما برای از دست ندادن مخاطبان، ادیان را در فرآیند وارونگی قرار داده و با ارائه تزه‌ای غلط‌انداز و مهیمی‌مانند پلورالیسم دینی و فرهنگی، در تکلیوی القای نسبی‌گرایی و کمرنگ کردن باور برتری ادیان نسبت به هم و در عین حال فروپاشی باورهای دینی در جنبه رقائات ضددینی و تخرله‌ها و فرقه‌های انحرافی‌مانند وهابیت و بهائیت و ماهی‌گرفتن در آب گل‌آلود است.

به کرسی نشاندن آموزه‌های ادیان تحریف شده

تئوریزه کردن آموزه‌های الحادی و مادی که مشخصا دارای جهت‌گیری‌های دین‌ستیزانه و ترجیح مکتاب مادی و زمینی بر ادیان الهی و وحیانی است، به انگیزه به کرسی نشاندن آموزه‌های